

# تربیت اسرائیلی

اهداف آموزشی و تربیتی اسرائیل در مناطق تحت اشغال

ترجمه و خلاصه: کریمی



شناخت اهداف و روشهای دشمن، برای هر جامعه انقلابی لازم و ضروری است، علی الخصوص که این دشمن موجودی بنام اسرائیل باشد و طرف مقابلش، جامعه‌ای انقلابی همچون ایران اسلامی امروز. به جرأت میتوان گفت که در هر جامعه‌ای، اهداف و سیاستهای آموزشی و تربیتی آن، از مهمترین و اساسی‌ترین اصول بشمار می‌رود. و امروز که ما اسرائیل را بنام یک دشمن بی چون و چرای اسلام و مسلمین می‌شناسیم، بایسته است که روش‌ها و اهداف آموزشی و تربیتی او را در مدارس مسلمین و تحت اشغال بشناسیم تا بتوانیم به موقع لزوم عکس‌العمل‌های مناسب را ارائه دهیم.

مطالب این مقاله گزارشی است از بخش اول کتاب «التحذی الصهيونی فی منهاج التعليم العربی فی اسرائیل»، نوشته «ماجد عرسان الکیلانی» اهل اردن؛ که به شرح اهداف و سیاستهای آموزشی و تربیتی اسرائیل در مناطق تحت اشغال پرداخته و با استناد و تحلیل محتویات کتابهای مختلف مدارس اسرائیلی بدین مهم پرداخته است.

«ماجد عرسان الکیلانی» اولین کتابهای چاپ شده توسط اسرائیل را که طبیعتاً حاوی اولین سیاست‌گذاری‌های صهیونیستی است، مورد بحث قرار داده و با استنهاد به عبارات و مطالب کتاب‌های مختلف بگونه‌ای مدلل و مستند، توطئه‌های ضد اسلامی صهیونیسم را برملا می‌سازد. این گزارش بگونه‌ای خلاصه تقدیم می‌شود که حاوی خط اصلی کتاب می‌باشد ولی از ذکر شواهد و دلایل فراوانی که کتاب بدانها پرداخته، خودداری نموده است. البته این خلاصه گویی، چیزی از روح و روال اصلی کتاب نکاسته و لطمه‌ای به استخوان‌بندی کتاب نزده است.

نویسنده، در مقدمه کتاب بعنوان بیان اهمیت این مبحث و لزوم توجه قشرهای مختلف بدان می‌گوید:

«در سال ۱۹۶۷ وزیر دفاع اسرائیل درخواست کرد که نسبت به روش‌های آموزشی در قدس و کرانه غربی، توجه و بازبینی شود. پس بدنبال دستور او دو جلسه رسمی در همان سال برگزار شد که مصوبه اصلی آنان عبارت بود از اجرای اهداف و روش‌های اسرائیلی در قدس و حذف کلیه

چیزهایی که با اهداف اسرائیل سازگاری ندارد.

سیاست آموزشی در هر کشوری از مهمترین منابعی است که میتوان بدان وسیله، اهداف و برنامه ریزیهای آن کشور را شناخت. یعنی معمولاً آنچه که بعلمی نمی‌تواند در سیاست روز وارد شود، در برنامه‌های آموزشی گنجانیده می‌شود تا نسل حاضر برای سیاست فردا آماده شود.

پس در این صورت این تحقیق بیش از آنکه یک کار فرهنگی جهت کسب شناخت و آگاهی باشد، یک تحقیق بررسی سیاسی است که روش‌های دشمن را در تشکیل آینده‌ای از برای امت و فرهنگ به گونه‌ای علمی و دقیق و مستند به منابع مختلف، بیان میدارد.» آنچه در این تحقیق آمده است، تحلیلی است از سیاستهای اسرائیل در سالهای اول

ی بعد از سال ۱۹۷۱ وای بسا که امروزه بااستها وروشهای دیگری درپیش گرفته ده باشد ولی باید دانست که هیچگاه بیخ هرملتی را فدائی امروز نمیکنیم.

ترقی اسلام بگونه ای تحریف شده اسرائیل برای از بین بردن اعتقادات اسلامی درذهن دانش آموزان از روشهای مختلفی استفاده می کند:

الف : ایجاد شک و تردید در مورد سخت و اصلت قرآن کریم: مثلاً برای تبیین این مطلب در بخشهای مختلفی از کتاب تاریخ کلاس دهم به ایراد مطالبی پرداخته که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

«در سال ۶۵۳ بیشترین اختلافات مورد قرائت های مختلف قرآن پدید آمد به اساساً جنگهای وسیع میان شامیان و رقیان در اثر همین اختلافات بود.»

و یا درجایی دیگر اشاره می کند: «وقتی عثمان به جمع آوری قرآن اقدام کرد و زید بن ثابت را بدین امر گمارد، بدالله بن مسعود که خودش را از آگاهان در برقرآن میدانست برضد زید سخنها گفت و اساساً نسخه جمع آوری شده را مورد تردید قرار داد.»

در همین راستا یکی دیگر از توطئه های اسرائیلی در کتابهای مدرسه ای قابل ملاحظه است و آن تحریف آیات است: در جایی این آیه را نقل می کند:

«هل الذي جعل الأرض ذلولا»<sup>۲</sup>

در حالیکه صحیح آن چنین است:

«هو الذي جعل الأرض ذلولا».

و یا درجایی دیگر: «كل عام وانتم بخیر وفدیناه بذبح عظیم صدق الله العظيم».

در حالیکه قرآن فقط این بخش را دارا است: «وفدیناه بذبح عظیم».

از این دست آیات و نمونه ها باز هم یافت می شود.

در جاهایی دیگر هم سعی می کند که قرآن را به گونه ای معرفی کند که گویی اصل و اساس آن از تورا و کتب یهودی گرفته شده است.<sup>۱</sup>

ب : ایجاد شک و تردید نسبت به شخصیت و اخلاق تاریخ پیامبر اکرم (ص): مثلاً درجایی ذکر می کند:

«در مورد تاریخ کودکی پیامبر دلایل و شواهد چندانی وجود ندارد مگر این آیات: ألم یحدهک یتیماً قاروی ووجدک ضالاً

فهدی...»<sup>۳</sup>

پرواضح است که این مطالب برسبیل شرح و تحلیل تاریخ اسلام آمده ولی بطور غیرمستقیم، وجود انحرافات و گمراهی ها در زندگانی رسول اکرم (ص) را تأکید می کند. گاهی هم نسبت به صحت احادیث پیامبر شک و تردید می کنند:

«در قرن سوم بعد از هجرت تعداد زیادی جملات منسوب به پیامبر بر احادیث اضافه شد.»<sup>۴</sup>

ج: جلوگیری از آشنایی صحیح دانش آموزان و جوانان با معارف اسلامی:

کتاب تاریخ مدارس سراسر ایجاد شک و یا بیان تحریف شده نسبت به معارف اسلامی است. گاهی مفهوم زکات را به گونه ای تحریف شده بیان می دارد و هنگامی جهاد را بعنوان یک اصل عارضی در احکام اسلامی معرفی می نماید، و درجایی هم تاریخ و اساس بیت المقدس را مورد تردید قرار می دهد که بنای آن را به راهنمایی یک یهودی به عمر بن خطاب نسبت می دهد.<sup>۵</sup>

علاوه بر اینها سعی می کند که عقاید یهودی را با عقاید اسلامی درهم آمیخته و مثلاً خداوند را با دست و لب و شکل ظاهری معرفی کرده از برای او خدعه ها و نیرنگ ها قائل می شود.

د : معرفی اسلام بعنوان عامل رکود و عقب ماندگی مسلمین:

«حجاج برای زیارت و اجرای مراسم، با کشتی بسوی جده می روند و از آنجا نروتمندان با هواپیما و مؤمنین و پرهیزکاران بوسیله شتر از بندر راهی شهرهای مقدسه می شوند. این عبادت بر اساس روش و عادات قدیمی و مقدس بدران آنهاست که آنها هم آن را به ارث برده اند.»<sup>۶</sup>

**\* اسرائیل می کوشد که امت اسلام را از دین و تاریخ تهی کرده و در زندگی یهودی و فرهنگ اسرائیلی غرق نماید و در این راه تمام دروس را بکار می گیرد از تاریخ و جغرافیا و زبان عبری و دیانت یهودی استفاده می کند.**

و نیز درجایی دیگر در مورد اهالی مغرب گوید: «اکثر ساکنین مغرب مؤمن و متدین و پیرو شرایع دین اسلامی هستند... که اغلب آنان کشاورزان فقیر و همیشه در حال سفر هستند»<sup>۷</sup>

و درباره ساکنین منطقه دریای مدیترانه گوید:

«در آنجا انواع محصولات مهم کشاورزی وجود داد که ساکنین آن از همانا تغذیه می کنند. ولی مسلمین آنجا معمولاً به قطعه ای مختصر از نان آغشته به زیتون تغذیه می کنند.»<sup>۸</sup>

و درباره ساکنین کشور شوروی می گوید:

«عده ای از ساکنین آنجا کسانی هستند که حدود یک نسل پیش پدرانشان بدانجا هجرت کردند و بگونه ای زندگی قبایل وحشی زندگی خود را ادامه دادند، دیانت اکثر این عده اسلام است.»<sup>۹</sup> و درباره ترکیه نیز اقدامات ضد دینی کمال آتاتورک را بعنوان گامی در راه ترقی و پیشرفت معرفی می کند.<sup>۱۱</sup>

### سلب هویت تاریخی و اعتقادی و جغرافیایی

روش اسرائیلی به گونه ای است که نسل جوان با تاریخ و فرهنگ و عقاید خود هیچگونه آشنایی و مؤانست نداشته باشد. اساساً جهت گیری اسرائیلی در این زمینه مبنی بر تهی کردن نسل جوان از فرهنگ خود و سپس جایگزین کردن فرهنگ اسرائیلی بجای آن است.

اسرائیل مدت ۱۶ سال آموزش های اسلامی را در مدارس منع کرد و هنگامی که به اصطلاح آن را آزاد کرده چندان چیز جدیدی نسبت به آنچه که معمولاً در خانواده ها وجود دارد، نبود. در حقیقت، منع و عدم آن چندان تفاوتی با هم نداشتند. در اینجا به عناوین مطالبی که بعنوان آموزشهای دینی از کلاس دوم تا هشتم مطرح شده است اشاره می کنیم تا بی محتوایی و سطحی بودن و بالتبع مفید نبودن مطالب را بازگو کرده باشیم:

- ۱ - خدایان عرب جاهلی.
- ۲ - رشد و گسترش دین اسلام (به شکلی خلاصه و سطحی)
- ۳ - خلاصه عبادات (نماز، زکات، حج)

- ۴ - مروری کوتاه بر تاریخ پیامبر (بدون توجه به ریشه‌ها و نکات اصلی آن)
- ۵ - آداب غذا خوردن و سلام کردن.
- ۶ - احادیثی در حقوق همسایه و مهربانی با حیوانات و پدر و مادر.
- ۷ - آیاتی از قرآن در فضائل و انبیاء بنی اسرائیل.

۸ - مباحثی ساده از احکام ازدواج و ارث و وصیت در کتاب هشتم.

بعز آنچه ذکر شد، کتابهای اسرائیلی هیچیک از دیدگاههای اسلامی در حکومت، اقتصاد، اجتماع روابط بین‌المللی، جهاد... را بازگو نمی‌کند و اسلام را در همان چارچوب مختصر خلاصه می‌کند.

جالب است که بعنوان معرفی اسلام چنین می‌گوید: «عبادات اسلامی، واجباتی است که بر هر مسلمان فرض شده و از ارکان اسلام بشمار می‌آید:

- ۱ - بیان شهادتین
- ۲ - اقامه نماز
- ۳ - دادن زکات.
- ۴ - روزه
- ۵ - حج

با این روشی که ملاحظه شد، دانش آموزان مسلمان که تحت آموزشهای صهیونیستی رشد می‌کند اسلام را بدان صورتی که ملاحظه شد می‌شناسد در حالیکه فرهنگ و دیانت یهودی را بطور مفصل و جالب می‌آموزد. در نتیجه نسل جوان اسلام را مورد تحقیر قرار داده و آن را چیزی جز باره‌ای مطالب سطحی و گذرا و غیر لازم نمی‌شمرد.

علاوه بر آنچه که در مورد زمینه‌های عبادی ذکر شد، روش اسرائیلی نسبت به تاریخ اسلامی نیز شکلی از همین دست را قرار داده است، اسرائیل با گرفتن تاریخ از امت اسلامی و با بی‌هویت کردن تاریخی نسل جوان، سعی می‌کند امت اسلام را تبدیل به یک مشت مردم بی‌هویت و بی‌ریشه کند. مردمانی که همچون پتیمان بی‌سرپرست در تاریخ رها بوده‌اند و امروز نیز جز تن دادن به قیمومت دیگران و پذیرفتن فرهنگ آنها چاره‌ای ندارد.

اسرائیل برای القاء این امر از چند روش استفاده می‌کند:

- ۱ - تغییر تاریخ و فرهنگ اسلامی با روش‌های مختلف، مثلاً:
- تفسیر اصطلاحات اسلامی، که از این دست می‌توان به بکارگیری کلمه «غزو»

برای پیروزی‌های بزرگ اسلام اشاره کرد. درجایی دیگر اسلام را حلقه‌ای از نهضت دینی شبه جزیره عربستان می‌داند که عده‌ای از حکمای عرب پیش از ظهور اسلام اقدام به دعوت مردم به دین حنیف ابراهیم کرده بودند.

و با اینکه ایمان آوردن انصار اهل مدینه را یک صلح قبیلگی معرفی می‌کند نه یک گرایش دینی.

بجز اینها تاریخ اسلام را بطور عمومی، تاریخی سرشار از منازعات و درگیری‌ها و جنگهای قومی و قبیلگی معرفی می‌کند.

اسرائیل برای القاء آیین مفاهیم در ذهن جوانان مسلمان اقدام به چاپ و انتشار تعداد قابل توجهی کتاب و جزوه کرده است. کافی است که عنوان چند مقاله در کتابهای درسی را از نظر بگذرانیم تا روح القا شده منازعه طلبی و درگیری و جنگ را در لابلای آن بخوبی ملاحظه کنیم:

چرا ابوبکر با اهل الردة جنگید؟  
کشته شدن عمر بن خطاب.

**\* اسرائیل سعی می‌کند که فلسطین را قبل از تجاوز صهیونیستی خود زمینی تهی و خالی معرفی کند که دارای سکنه‌ای نبوده و اگر کسانی در آنجا زندگی می‌کرده‌اند جز عده‌ای از مهاجرین یهودی نبودند.**

چرا مردم بر علیه عثمان قیام کردند؟  
محاصره خانه عثمان و کشته شدن او.  
وفات علی

برکناری معتز و بیعت با مهندی  
گفتگویی درباره جدال و درگیریهای بین اعراب و سوسالیست‌ها.

استعمار، این مفاهیم را بعنوان اسلام و بنام اسلام در ذهن جوانان قرار می‌دهد. و از خلال چنین مباحثی اسلام بعنوان یک مکتب تخریبی معرفی شده و این اندیشه خودبخود در روح خوانندگان انتقال پیدا می‌کند.

۲ - آموزش تاریخ دیگران بعنوان روشی دیگر برای بی‌هویت کردن تاریخی امت اسلام: جوانان مسلمان در مدارس

اسرائیلی باید تاریخ دیگرانی را مطالعه کند که هیچ ارتباط فرهنگی و فکری با آن نداشته‌اند. این تاریخ در کلاسهای مختلف از پنجم به بعد شامل مباحثی درباره سومری‌ها و اکدی‌ها و آشوریان و بابلی‌ها، فراغده، آرامی‌ها، فنیقی‌ها، کنعانی‌ها، فلسطینی‌هاست، و تاریخ یونان و روم و...

عصر بربرها و اروپا و قرون وسطی و... که ذکر عناوین آن خود شامل چندین صفحه می‌شود. این حجم زیاد از تاریخ دیگران، آنچنان اهمیت و عظمتی در برابر تاریخ اسلامی دارد (آنها با همه نواقضش که بکلی آن را تحت اشاع قرار می‌دهد.

نتیجه طبیعی این حرکت این است که وقتی امت اسلامی از فرهنگ و تاریخ عقاید خود تهی شد و هویت و اصالت دینی و اعتقادی و تاریخی خود را از دست داد، راحت‌ترین شکل آمادگی پذیرش فرهنگ دیگر مثلاً فرهنگ اسرائیلی را پیدا می‌کند. بخصوص اگر فرهنگ خودی آنان بصورتی متعجزانه و غیرقابل دفاع مطرح شود.

چنانچه ملاحظه شد، دقیقاً این سیاست مشهود است یعنی بی‌هویت کردن مسلمان و تحریف اسلام و القاء آن بگونه‌ای که نه تنها گرایش و متابعت را نمی‌طلبد بلکه رنجش و زدگی می‌آفریند.

و داشتن مسلمان به پیروی از یهود

روش آموزش اسرائیلی در تاریخ جغرافی، اجتماعیات و... چنین است که دانش آموز عرب را دچار این توهم می‌کند که براستی یهودیان سردمداران فرهنگ اسلامی از همان آغاز تاریخشان بوده‌اند.

اساساً یهود را دارای نقشی بس مهم در تاریخ اسلام معرفی می‌کنند بطوری که زمینه ساز بروز و ظهور اسلام را فعالینهای اجتماعی و اقتصادی عده‌ای از یهودیان می‌داند.<sup>۱۲</sup>

علاوه بر این، در هر یک از مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی نقشی برای یهود و یهودیان بازمی‌کنند به گونه‌ای که سردمداری یهودیان را در هر یک از آنها وانمود سازد. مثلاً:

در طب، در فلسفه، در سیاست، مدیریت، در تدوین تاریخ، کشاورزی، نجوم، اقتصادیات و...<sup>۱۳</sup> که شخصیت‌های اسلامی دارای پیشگامی و تبخرو مهارت‌ها چشمگیری هستند، و مایه فخر و قوت مسلمان می‌باشد، بوسیله آموزش‌های اسرائیلی، در هر یک از زمینه‌های مذکور یک یهودی بازمی‌شود. گویی که اساس

مؤسس و پدید آورندهٔ این رشته‌ها یهودیان بوده‌اند و با اینکه نقش اصلی با آنها بوده است و مسلمین علی‌رغم وجود همهٔ دانشمندان دارای یک نقش حاشیه‌ای بوده‌اند. با چنین سیاستی، نسل جوان مسلمان، فکر ایستادن در برابر قومی که صاحب علوم و فرهنگ و معارف عظیم در طول تاریخ هستند را از سر بیرون خواهد کرد! و این همان است که اسرائیل می‌طلبد.

## جلوگیری از آگاهی نسل جوان نسبت به تجاوزات صهیونیستی

اسرائیل سعی می‌کند که فلسطین را قبل از تجاوز صهیونیستی خود زمینی تهی و خالی معرفی کند که دارای سکنه‌ای نبوده و اگر کسانی در آنجا زندگی می‌کرده‌اند، جز عده‌ای از مهاجرین یهودی نبوده‌اند. بعلاوه که عدهٔ کمی از اعراب در آنجا بودند ولی اکثراً دچار فقر و بیماری و نادانی و... بودند. ولی هرگز سخنی از تجاوز اسرائیلی به میان نمی‌آید. در اینجا به برخی نمونه‌ها در همین رابطه اشاره می‌کنیم:

در کتاب قرائت کلاس هفتم شرحی از ورود عده‌ای یهودی از اورشلیم به فلسطین می‌آورد که خلاصه آن چنین است: «در سال ۱۸۷۸ عده‌ای از یهودیان اورشلیم وارد برخی مناطق فلسطینی شدند و سعی کردند که به کار کشاورزی بپردازند. ابتدای برای خود خانه‌هایی ساختند و بعد مشغول بکار شدند. در آن مناطق چندان سابقهٔ کشاورزی نبود و آنها هم با آن مناطق آشنایی نداشتند. در فصل زمستان با بارش شدید باران، تمام زمینها را آب فرا گرفت و خانه‌های آنان ویران شد بطوری که مدت ۴ روز با تمام تلاشی که کردند نتوانستند خود و فرزندان را از آب نجات دهند و آب بکلی آنها را محاصره کرده بود و هیچ کس نبود که آنها را یاری دهد تا اینکه عده‌ای از ساکنین یاقا به کمک آنها آمدند و نجاتشان دادند. و آنها چون در آن مکان امنیست نداشتند. آنجا را ترک گفتند و سوی اورشلیم بازگشتند. ولی در سال ۱۸۸۴ یعنی ۷ سال بعد عده‌ای از طلا به داران پیشرفت و ترقی، بدانجا آمدند و با روشی مناسب به آبادانی آنجا پرداختند.»<sup>۱۴</sup>

از این قبیل داستانها که عدم سابقهٔ فعالیت و زندگی در اراضی فلسطینی را القاء می‌کند در کتابهای مختلف مدرسه اسرائیل

کم نیستند از جمله میتوان این گونه مطالب را در کتابهای قرائت کلاس ششم و تاریخ کلاسهای مختلف ملاحظه نمود.

بعلاوه اینکه ورود اسرائیل را نه بصورت حقیقی و واقعی آن بلکه بعنوان اصلاح خرابی‌ها، ایجاد باغستانها و تأسیس شهرکهای کشاورزی و... معرفی کرد.<sup>۱۵</sup> و اساساً تأسیس شهرکهایی چون «ریشون لسیون»، «زحرون یعقوب»، «بناح تکفا» را اولین شهرکهای ایجاد شده در آن مناطق دانسته و این را فضلی برای خود و اعتباری مهم تلقی می‌کند.

و اینچنین است که دانش آموز فلسطینی تحت القانات مختلف قرار می‌گیرد و سرزمین خود را چیزی جز یک زمین خالی و غیرمسکونی نمی‌شناسد که مصلحین و دلسوزانی چون اسرائیلی‌ها! اولین قدمهای آبادی و آبادانی و مبارزه با فقر و بیماری و سختی را در آن برداشته‌اند! و این است گمراه کردن نسل مسلمان نسبت و قابع تجاوز صهیونیستی به وطن و امت و مقدسات

**❖ وقتی امت اسلامی از فرهنگ و تاریخ خود تهی شد و هویت و اصالت دینی و اعتقادی و تاریخی خود را از دست داد به راحت‌ترین شکلی آمادگی پذیرش فرهنگی دیگر مثلاً فرهنگ اسرائیلی را پیدا می‌کند.**

خود. با چنین سیاستی، نسل جوان مسلمان نه تنها اسرائیل را تجاوزگر نمی‌پندارد بلکه خود را مدیون اونیز می‌داند که از راهی دور به یاری و کمک به او شتافته است! به تعبیری دیگر اساساً برای خود اصالتی یا سرزمین و وطنی قابل نمی‌شود که بخواهد ادعای حق و حقوقی کند.

## توجیه سیاستهای اشغالی اسرائیل در گذشته و آینده

سیاست تعلیمی اسرائیل می‌کوشد که به گونه‌ای تجاوزات مکرر خود را برای نسل جوان عرب توجیه کند و برای آن دلایل

تاریخی و جغرافیایی و توجیهات فرهنگی و اجتماعی بیاورد. در این راه دوروش عمده قابل توجه است:

الف : اصالت دادن به حضور یهودیان در فلسطین و زمینهای اشغالی:

آنان هرگز نام فلسطین را بکار نبرده و بجای آن «زمین اسرائیل» را استعمال می‌کنند. و البته برای این «ارض اسرائیل» محدودیت و مرزی قائل نمی‌شوند تا بتوانند مطابق سیاستهای توسعه طلبانهٔ خود هر طور که می‌خواهند عمل کنند!

اسرائیل می‌کوشد که وجود یهودیان در مناطق مورد نظر را دارای اصالت و ریشه معرفی کند بطوری که آنان را از اولین سکنهٔ آن مناطق میدانند. این سیاست در کلیه کتابهای درسی بخوبی به چشم می‌خورد.

مثلاً در زمینه‌های تاریخی می‌کوشد که با تغییر دادن تمامی اسامی (مطابق سیاستهای اسرائیلی) و با تأکید بر وجود فراعنه و کنعانی‌ها و... اصالت و ریشه دار بودن خود را به اثبات برساند. و با بکار بردن کلمهٔ اسرائیل در مباحث تاریخ قدیم، خود را به هدف مذکور نزدیک می‌کند.<sup>۱۶</sup>

در کتاب کلاس پنجم نقشه‌ای از جغرافیای امپراطوری رومانی را نشان می‌دهد که «ارض اسرائیل هم در آنجا برای خود جایی دارد!»<sup>۱۷</sup>

و بدین ترتیب با تحریف تاریخ به هر نحو ممکن سعی در گنجانیدن نام یهودیان و اسرائیل دارد. در هیچیک از نقشه‌های اسرائیلی از تاریخ قدیم تا کنون کلمهٔ فلسطین دیده نمی‌شود و هر چه هست بنام «ارض اسرائیل» تبدیل شده است.

ب : تحریف واقعیت جوامع کنونی عربی:

برخورد کتابهای اسرائیلی با جوامع عربی بگونه‌ای است که از آنان چهره‌ای عقب مانده، سرخورده، گرسنه، فقیر، درگیر با بیماری‌ها، وحشی و... ترسیم می‌کند. کتابهای جغرافی در راه این هدف به باری سیاستمداران آموزشی اسرائیل آمده و این استحقاق و خود کم بینی را در روح و جان جوانان مسلمان نسبت اسرائیلیها می‌گنجاند: کافی است که به این جملات برگزیده دقت شود.

«درجهٔ حرارت در ایام تابستان عراق گاهی به ۵۰ درجه می‌رسد ولی فقط عده‌ای قلیل از متمکنین خود را از این گرما به گونه‌ای نجات می‌دهند و اکثر مردم ناچارند با گرما بسازند و یا حتی کار



کنند.<sup>۱۸</sup> و به همین ترتیب با بیان صحنه‌هایی از فقر و تنگدستی از مردم مسلمان مغرب، جزیره العرب، اردن و... عقب‌ماندگی مسلمین در کشورهای مختلف را القاء می‌کند.<sup>۱۹</sup>

تصاویری که به کمک این مطلب آمده‌اند همه از این دست هستند. گاهی عربی با شتر خود در بیابان خشک و لم یزرع در حال استراحت است، و یا تصویری از یک بازار بسیار ابتدایی و عقب‌مانده و یا تصویری از روستاهایی خشک و تهی و... تصاویر شهرها معمولاً نشان‌دهنده هیچ نوع پیشرفت نبوده و برای کار و فعالیت و شغل مسلمین، جز چند تصویر از شغل‌های بسیار ساده و عقب افتاده چیز دیگری نیست، اینها همه بنام اسلام و در اثر اسلام معرفی می‌شوند.

### رشد فرهنگ اسرائیلی در نسل جوان

اسرائیل می‌کوشد که امت اسلام را از دین و تاریخ خود تهی کرده در زندگی یهودی و فرهنگ اسرائیلی غرق نماید و در این راه تمام دروس را بکار می‌گیرد و از تاریخ و جغرافیا و زبان عبری و دیانت یهودی و... استفاده می‌کند.

در درس تاریخ، دانش آموزان مسلمان باید تاریخ یهودی را دروسعتی قابل توجه و تکرار مکررات بیاموزند و در خلال این آموزش‌ها سعی می‌شود که یک ارتباط فکری و وجدانی میان دانش آموزان و فرهنگ یهودی و وجود یهودیان در فلسطین ایجاد شود. کلاسهای مختلف مدارس از پنجم تا آخر محکوم به یادگیری مطالبی در تاریخ یهود هستند که شامل این سری موارد می‌شود:

— سابقهٔ عبرانی‌های قدیم و ارتباط نژادی آنها با حضرت ابراهیم! (رنگ یهودی دادن به زندگانی حضرت ابراهیم!!)  
— اولین پادشاهان در اسرائیل.  
— انبیاء بنی اسرائیل.  
— نقش یهودیان در جزیره العرب.  
— روابط یهودیان با یونانی‌ها.  
— شکست رومی‌ها از یهودیان.  
— جنگ میان یهودیان و مسیحیان.  
— تاریخ یهود در دوران بیزانطی‌ها.  
و... عناوینی از این قبیل تا سال یازدهم که جوانب مختلف تاریخ یهودی گری را بیان می‌دارد علاوه بر تاریخ، جغرافیا هم در خدمت این هدف درآمده است. در درس جغرافیا نیز سعی می‌شود با برتری و تقدم

قائل شدن برای یهودیان، و دادن نقش جهانی برای آنها، امت اسلام و عرب را در برابر خود مات و میهوت نگه داشته و در نتیجه به تبعیت و اداری نماید، در این زمینه به روشهای مختلفی متوسل شده‌اند.

الف: بیان برتری اسرائیل در زندگی بسیاری از کشورهای دیگر.

در این راستا اسرائیل کشوری معرفی می‌شود که سطح زندگی از بقیه کشورهای همجوار و منطقه بالا تر بوده و با برنامه ریزی‌های مالی و اقتصادی فراوان علاوه بر اینکه مایهٔ رشد و ترقی جامعهٔ خود شده است، می‌تواند برخی وسایل صنعتی، خانگی و لوازم اجتماعی را به کشورهای دیگر صادر کند.

ب: معرفی اسرائیل بعنوان کشوری خود کفا که نیازی به دیگران ندارد.

ج: بیان همسطحی اسرائیل با کشورهای پیشرفته صنعتی مثل انگلستان و فرانسه و کشورهای اسکاندیناوی و ابراز تعجب و شگفتی این ممالک نسبت به

**\* برای سلطه گری و تسلط بر یک قوم چیزی بهتر از این نیست که آنها را گروه گروه و یا به آنها القاء کرد که یکپارچه و یکدست نیستند.**

اسرائیل.

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد بجز دروس تاریخ و جغرافیا، از دروس دیگری چون علوم اجتماعی نیز مدد گرفته شده است. بطور کلی میتوان گفت که کتابهای اجتماعی در این راستا حاوی این مطالب هستند:

— راضی نگه داشتن دانش آموزان نسبت به وضعی که در آن زندگی می‌کنند.  
— آشنا ساختن آنان با مؤسسات حکومتی و ملی و آگاه کردن آنها برای پذیرش زندگی در زیر سایه مدیریت آنها.  
— آشنا ساختن دانش آموزان با مؤسسات فرهنگی مانند دانشگاه، آموزشهای دبیرستانی، مؤسسات کارآموزی و آماده ساختن آنان برای بنای فرهنگ یهودی که این امر از خلال معرفی برخی دانشمندان یهودی و ارائه زحمات و کوششهای آنان صورت می‌گیرد.  
و اینچنین در ضمن دروس اجتماعی

سعی می‌شود که تقدم و پیشرو بودن اسرائیل را القاء کرده جوانان را بطور غیر مستقیم واداره متابعت از آنان گردانند.

قابل توجه است که این نوع القائات نه تنها در دروس ادبی و اجتماعی، بلکه حتی در علوم نیز بکار رفته است، مثلاً کتاب حساب کلاس ابتدایی دارای عناوین و مثالهایی است که از خلال حل مسائل ریاضی و حساب سعی بر القاء فرهنگ اسرائیلی دارد. فی المثل برای دادن چند مسألهٔ ساده در جمع و تفریق از تانک‌های نظامی اسرائیل و نیروهای نظامی آن استفاده می‌شود.

بهر حال این روش تا دورهٔ دبیرستان هم ادامه می‌یابد و دانش آموز مجبور است که مطالبی از این دست را بیاموزد که محور همهٔ آنها عبارت است از پیشرفت و اصالت اسرائیل در دوقارهٔ آفریقا و آسیا.

وقتی این سیاست را در کنار سیاستهای بی هویت ساختن فرهنگی و دینی مسلمین قرار دهیم کاربرد و تأثیرات این مفاهیم را درخواست می‌یافت.

ایجاد اختلاف میان مسلمین برای از بین بردن مقاومت در برابر اسرائیل.

سیاست اسرائیلی در برخورد با اعراب مبتنی بر تقسیم بندی آنها به دستجات و گروههای نژادی و دینی و قبیله‌ای است تا بدینوسیله بتواند بر آنها سطره و حکومت پیدا کند. برای توسعهٔ این سیاست، و القاء اینکه اساساً اجتماعات عربی و اسلامی از این دست هستند، اینگونه مسائل را در برنامه‌های آموزشی مدارس داخل کرد و در دروس مختلف سعی بر ارائهٔ جوامع مسلمین بصورتی منشئت، از هم بریده، گروه بندی شده و ناهم پیمان نمود.

مثلاً درس جغرافی در معرفی ساکنین مناطق مختلف دست به یک تقسیم بندی دینی میان مسلمین می‌زند و اختلافات قبیله‌ای و ناسیونالیستی را میان آنان مطرح می‌کند. مسلمین را به دو گروه شیعه و سنی تقسیم کرده و اهل تسنن را به مذاهب مختلفی که همین مایهٔ بروز انواع اختلافات در میان آنان شده است. همچنین شیعه را بصورت گروههایی ضد هم از قبیل علوی‌ها و دروز معرفی می‌کند.<sup>۲۰</sup> از سونی دیگری به اختلافات میان مسلمین و مسیحیان پرداخته، نمونه‌هایی از لبنان را مطرح می‌نماید.

در همین کتاب در بحث از مسائل

اجتماعی در اسرائیل، بحثی را تحت عنوان «ساکین کشور ما» مطرح می‌کند و دست به یک تقسیم‌بندی می‌زند و ابتدا به یهودیان اشاره کرده زندگی فرهنگی و دینی آنها را بگونه‌ای که فضل و برتری یهودیان بر سایرین را برساند، مطرح می‌کند و سپس به شرحی دربارهٔ مسلمین می‌پردازد. مسلمین در کتابهای جغرافیایی بصورت مذاهب و گروههای از هم بریده و ضد هم هستند که سنی با شیعه نمی‌سازد و گروههای سنی با یکدیگر! و سعی می‌شود که برای هر گروه آئینی خاص و نمائیمی ویژه و جدای از یکدیگر قرار دهد و در ضمن برای هر یک از اینها اسمهایی چون «اسلام سنی»، «اسلام شیعی»، «اسلام خارجی» قرار می‌دهد و هر یک را بنام «اسلام» معرفی می‌نماید!

بجز اینها، مسلمین را از جهت نژادی نیز تقسیم‌بندی می‌کند. یعنی مسلمین عرب و غیر عرب و بعد از این نیز تقسیم‌های دیگر... و دست آخر مسیحیان را بر علیه مسلمین تحریر می‌کند و بعد به درویشی‌ها می‌پردازد و از برای آنان تاریخ جداگانه‌ای را ذکر می‌کند. تاریخ دروز قبل از قیام اسرائیل و تاریخ آن پس از قیام اسرائیل! در قسمت اول

درویشی‌ها و سرزنش سایر مسلمانان قرار می‌گیرد و پس از آن در قسمت دوم مورد کمک و احترام اسرائیل!!

در همینجاست که به فرقهٔ بهائیه پرداخته و به مدح و ستایش آنان می‌نشیند و عقاید آنان را در ضمن طرح عقاید اسلامی مطرح می‌کند و در این زمینه آنقدر خبانت به خرج می‌دهد که نهایی از برای آن نیست! و بعد از بهائیت نوبت به فرقهٔ احمدیه می‌رسد...

و بدینسان اسرائیل را یک جامعهٔ پیشرفته و واحد و مترقی و مسلمین را انبوهی از گروههای ضدهم، جنگ طلب، آشفتنه، عقب مانده و متحجر معرفی می‌نماید.

برای سلطه گری و تسلط به یک قوم چیزی بهتر از این نیست که آنها را گروه گروه کرده و یا به آنها القاء شود. که یکپارچه و یکدست نیستند. اسرائیل با درک این مهم، کودکان را از همان سنین اولیه با جامعه‌ای به عنوان مسلمان معرفی می‌کند که دارای هیچگونه ثبات نبوده و هرگز، با یکدیگر سرسازش و آرامش را نداشته‌اند. طبیعی است وقتی که یک کودک مسلمان، جامعهٔ هم کیش خود را اینچنین ننگرد

تعصب و گرایش بدان نه تنها ارزش خود را برای او از دست خواهد داد بلکه بطور طبیعی به جامعه‌ای متمایل می‌شود که دارای این معایب نبوده دارای امتیازات قابل توجهی هم باشد. یعنی اسرائیل!

پاورقی:

- ۱- کتاب تاریخ کلاس دهم. جزء اول، چاپ وزارت معارف و فرهنگ اورشلیم.
- ۲- کتاب خوشه‌هایی از تاریخ ادب، جزء دوم. کلاس ششم. تل ابیب.
- ۳- ۴- ۵- ۶- تاریخ کلاس دهم.
- ۷- جغرافیای کلاس پنجم.
- ۸- ۹- جغرافیای کلاس ششم.
- ۱۰- جغرافیای کلاس هفتم.
- ۱۱- جغرافیای کلاس ششم.
- ۱۲- تاریخ کلاس پنجم ابتدایی.
- ۱۳- تاریخ کلاس پنجم و ششم ابتدایی.
- ۱۴- کتاب قرائت کلاس هفتم.
- ۱۵- کتابهای تاریخ کلاسهای مختلف و بویژه کتاب تاریخ کلاس هشتم.
- ۱۶- تاریخ کلاس پنجم دبستان.
- ۱۷- تاریخ کلاس ششم دبستان.
- ۱۸- ۱۹- کتابهای جغرافی کلاسهای پنجم و ششم ابتدایی.
- ۲۰- کتاب جغرافیا، کلاس پنجم دبستان.

... و گرایش بدان نه تنها ارزش خود را برای او از دست خواهد داد بلکه بطور طبیعی به جامعه‌ای متمایل می‌شود که دارای این معایب نبوده دارای امتیازات قابل توجهی هم باشد. یعنی اسرائیل!

تعصب و گرایش بدان نه تنها ارزش خود را برای او از دست خواهد داد بلکه بطور طبیعی به جامعه‌ای متمایل می‌شود که دارای این معایب نبوده دارای امتیازات قابل توجهی هم باشد. یعنی اسرائیل!

... و بدینسان اسرائیل را یک جامعهٔ پیشرفته و واحد و مترقی و مسلمین را انبوهی از گروههای ضدهم، جنگ طلب، آشفتنه، عقب مانده و متحجر معرفی می‌نماید.

برای سلطه گری و تسلط به یک قوم چیزی بهتر از این نیست که آنها را گروه گروه کرده و یا به آنها القاء شود. که یکپارچه و یکدست نیستند. اسرائیل با درک این مهم، کودکان را از همان سنین اولیه با جامعه‌ای به عنوان مسلمان معرفی می‌کند که دارای هیچگونه ثبات نبوده و هرگز، با یکدیگر سرسازش و آرامش را نداشته‌اند. طبیعی است وقتی که یک کودک مسلمان، جامعهٔ هم کیش خود را اینچنین ننگرد

«آه النعم الکفران» می‌فرماید:

... و بدینسان اسرائیل را یک جامعهٔ پیشرفته و واحد و مترقی و مسلمین را انبوهی از گروههای ضدهم، جنگ طلب، آشفتنه، عقب مانده و متحجر معرفی می‌نماید.

برای سلطه گری و تسلط به یک قوم چیزی بهتر از این نیست که آنها را گروه گروه کرده و یا به آنها القاء شود. که یکپارچه و یکدست نیستند. اسرائیل با درک این مهم، کودکان را از همان سنین اولیه با جامعه‌ای به عنوان مسلمان معرفی می‌کند که دارای هیچگونه ثبات نبوده و هرگز، با یکدیگر سرسازش و آرامش را نداشته‌اند. طبیعی است وقتی که یک کودک مسلمان، جامعهٔ هم کیش خود را اینچنین ننگرد

... و بدینسان اسرائیل را یک جامعهٔ پیشرفته و واحد و مترقی و مسلمین را انبوهی از گروههای ضدهم، جنگ طلب، آشفتنه، عقب مانده و متحجر معرفی می‌نماید.

برای سلطه گری و تسلط به یک قوم چیزی بهتر از این نیست که آنها را گروه گروه کرده و یا به آنها القاء شود. که یکپارچه و یکدست نیستند. اسرائیل با درک این مهم، کودکان را از همان سنین اولیه با جامعه‌ای به عنوان مسلمان معرفی می‌کند که دارای هیچگونه ثبات نبوده و هرگز، با یکدیگر سرسازش و آرامش را نداشته‌اند. طبیعی است وقتی که یک کودک مسلمان، جامعهٔ هم کیش خود را اینچنین ننگرد